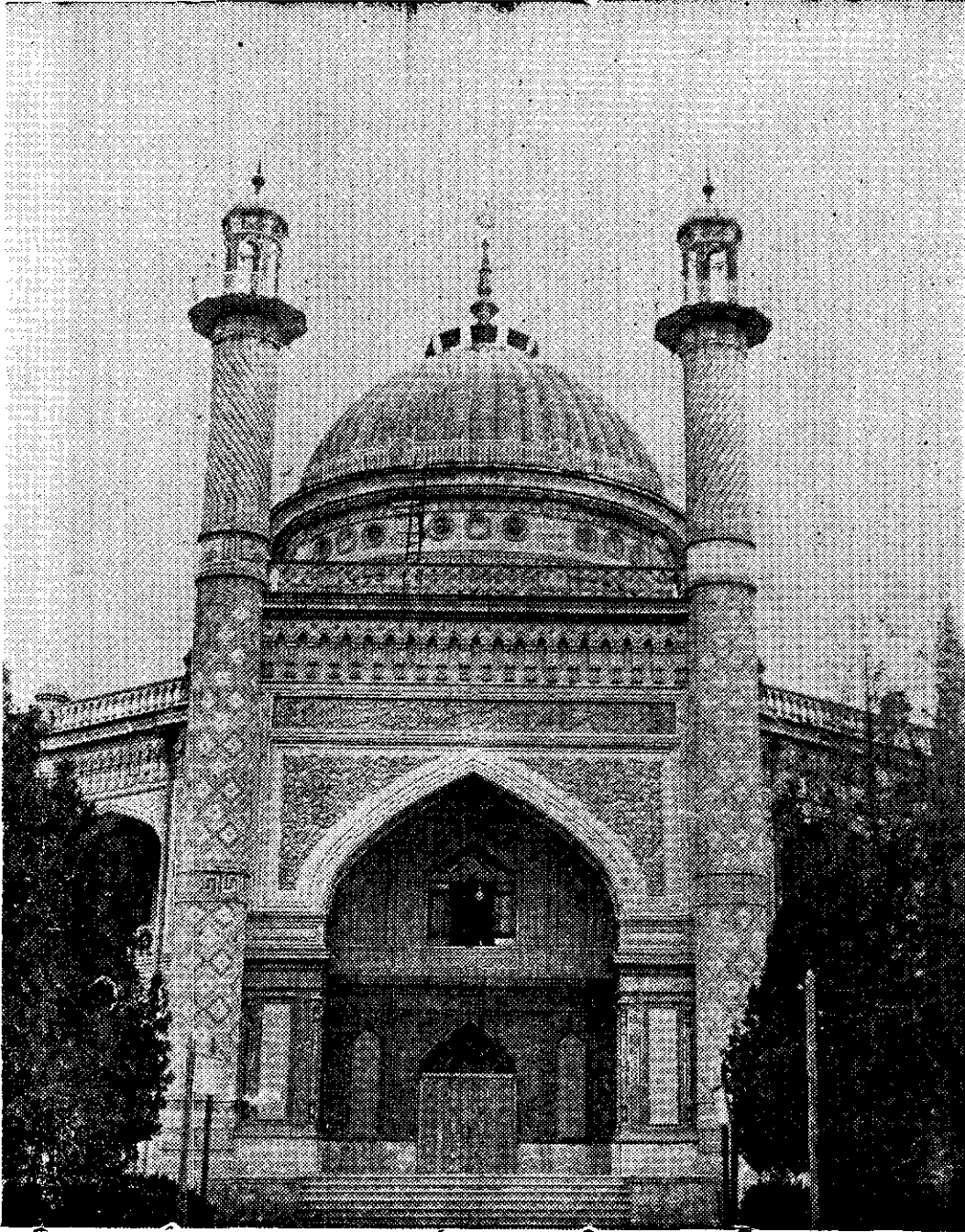
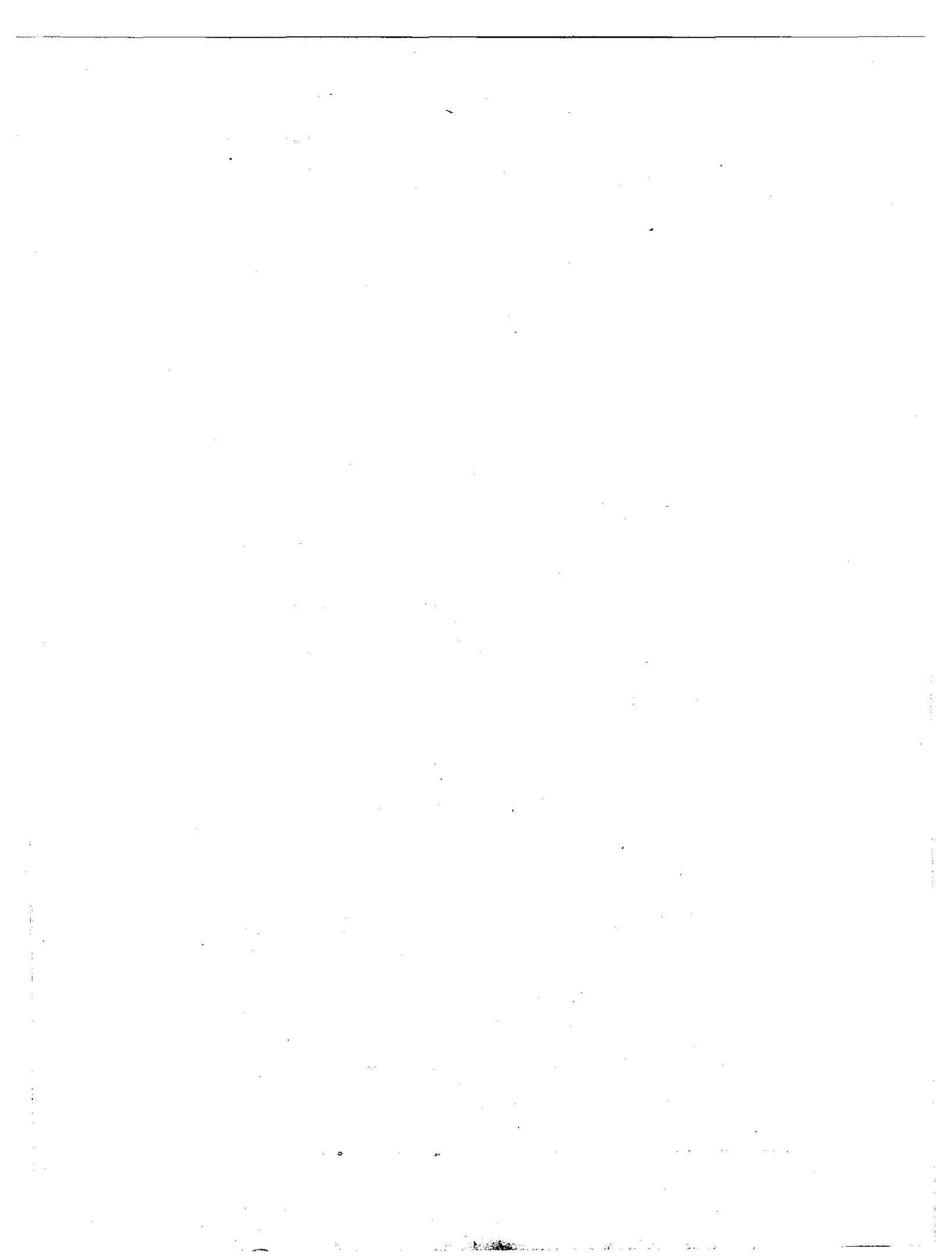


---

---

عاشق





سال اول | اول شهرالکلمات ۱۰۳ | بدیع | بیست و دوم تیرماه ۱۳۲۵ | شماره یازدهم

آهنگ بدیع قبل از انتشار بتصویب محفل مقدس روحانی طهران میرسد

مجله آهنگ بدیع	ا	آهنگ بدیع	ا	از مشترکین گرام که
احتیاج به	ع	از انتشارات کمسیون نشریه لجنه جوانان بهائی طهران	ب	تاکتون وجوه اشتراک
مجموعه های نجم	ل	وجه اشتراک	ل	خود را نپرداخته اند
باختروخورشید	ا	شماره ۱۹	ا	و یا موعده اشتراکشان
خاورد ارد از	ن	شماره ۱۰	ا	منقضی شده مستعدی
خوانندگان	ا	شماره ۵	ب	است یا را نپرداخت
که مجموعه های	ت	آه رس مجله	ا	او تجدید اشتراک
مذکور را داشته	ا	حظیره القدر سالی سندوق مکاتبات آهنگ بدیع جنب در	ت	تمام روزها را از

و  
 و حاضر یا هدا یا فروش میباشند متنی است بد فتر  
 مجله و انفعه در حظیره القدر رجوع فرمایند  
 صبح ساعت ۷/۵ تا ساعت ۹ بعد از ظهر بد فتر  
 مجله در حظیره القدر مراجعه فرمایند

### آهنگ بدیع و خوانندگان

کمسیون محترم فرعی شماره ۱۶۰ دایره تبلیغی شماره ۹

مراسته آنکمسیون واصل و در فیما مطالعه گردید  
 تذکر فرموده بودید در رسبک نگارش تفسیری حاصل  
 گرد و در ضمن نویسنده مقالات معرفی و ماخذ  
 اقتباس تعیین شود این رویه اخیرا مورد نظر  
 بود و پیشنهاد آنکمسیون محترم عملی خواهد شد

جهت ثبت اسم و کسب اطلاعات زیاد تری از  
 ساعت ۶ - ۹ بعد از ظهر ینساظم مجمع جوانان  
 در حظیره القدر سالی مراجعه فرمائید

### افتتاح مدرسه تايستانه

مدرسه تايستانه در روزه تاسیس و دره اولیه  
 آن از اول مرداد ماه ۲۵ (۱۱ شهرالکلمات ۱۰۳)  
 در شمیران افتتاح خواهد گردید

دوره مدرسه ۱۵ روز و برای هر دوره حد اکثر  
 ۵۰ نفر جهت تحصیل پذیرفته میشود و تا ۲۵ طفل  
 که حداقل سه سال داشته باشند حق ورود دارند  
 مصارف پانزده روزه :

برای محصلین مدارس نفری ۵۰۰ ریال  
 برای سایرین که در مدرسه شرکت مینمایند نفری ۷۰ ریال  
 برای اطفال از ۳-۷ سال نفری ۳۰۰ ریال  
 مخارج ایاب و ذهاب جزو این مبلغ منظور شده است

فهرست مند رجات

۱- جامعه عمومی دنیا	صفحه ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷	یقلم ژرژ ۰۱۰ تیسمر
۲- نفعات مشکبار	۸ و ۹	-
۳- وفات جناب حاجی سید کاظم رشتی	۱۰ و ۱۱ و ۱۲	نگارش آقای روحی ارباب
۴- سؤال و جواب	۱۲	-
۵- اخبار	۱۳	-
۶- ادبیات (آئینب)	۱۴	انرطیح آقای خلیل سهیل
۷- صلح بامقصد اهل بیها	۱۵ و ۱۶ و ۱۷	یقلم آقای سیروس ارجمند
۸- مستخرجه ای از توفیق منیع مبارک	۱۷	-
۹- قسمت کود کان - تذکره مریدان رسا خلاقی	۱۸	ترجمه و نگارش عزت الله زهراش. میلانی
۱۰- تاریخ بیها او لین مشرق الاذکار عشق	۱۹ و ۲۰ و ۲۱	ارسال د ارند ه آقای محمد حسین عیاضی
۱۱- نهنک آتشی	۲۲ و ۲۳ و ۲۴	یقلم آقای اشراق خاوری
۱۲- مسایفات	۲۴	-

عکس روی جلد : مشرق الاذکار عشق آیاد

شهر الکلما ت من سنق الجاد ۰۳ اید بیح		نعوم آهنگ بدیع		من الواحد الساد س من کل شیخ الاول	
ایام هفته	کلمات	تیر	شعبان	زویه	تعطیلا
شنبه بیها	۱	۲۲	۱۳	۲۳	۲۳
یکشنبه جلال	۲	۲۳	۱۴	۲۴	۲۴
دو جمال	۳	۲۴	۱۵	۲۵	۲۵
سه عذمة	۴	۲۵	۱۶	۲۶	۲۶
چهار نور	۵	۲۶	۱۷	۲۷	۲۷
پنج رحمة	۶	۲۷	۱۸	۲۸	۲۸ شهادت حضرت اعلی
جمعه کلمات	۷	۲۸	۱۹	۲۹	۲۹
شنبه کمال	۸	۲۹	۲۰	۳۰	۳۰ رمضان
یکشنبه اسماء	۹	۳۰	۲۱	۳۱	۲
دو عزة	۱۰	۳۱	۲۲		

XXXXXXXXXXXXX  
 X بقلم ژرز ۱۰ لتمبر X  
 X George O. Latimer X  
 XXXXXXXXXXXXXXX

# جامعه عمومی دنیا

بقیه از شماره قبلی

XXXXXXXXXXXXX  
 X ترجمه و اقتباس از کتاب X  
 X عالم بهائی جلد هفتم X  
 XXXXXXXXXXXXXXX

بهمان درجه نوا واستعدادات و نبوضات آلهید  
 یازتر خواهد گود بد .

ژرف مائین ( Joseph Mazzini ) مرحوم مبین پرست  
 معروف ایتالیائی محققا یلزم بکد بابت عمومی پس  
 برده بود زیرا مینویسد اولین ایمان عقیده همد  
 خالص و حقیقی که بر اساس ویران و درهم ریخته  
 عقائد پوسیده سابقه بنیان شود تمام تشکیلات  
 اجتماع موجوده مارا تجدید و تغلیب خواهد نمود  
 زیرا ایمان قوی و خالص در جمیع شئون حیات و فعلا  
 بشر موثر خواهد بود جهان بشریت در هر دوری  
 آزاد وار طائف ملکوتی بوده که آن توجه داشته است  
 تاریخ انسانیت بتمامه تکرار و استاز این حقیقت که در  
 روزانه مسیحی بود و است که میگوید ملکوت در  
 زمین استقرار یابد چنانکه در آسمان است و  
 چگونگی این حقیقت بر حسب اختلاف زمان و مکان  
 تفسیر و تفسیر یابد امروز ملکوت انسانیست  
 عبارت از سرپرده است عمومی که اقوام و ملل مختلفه  
 عالم را در ظل خویش ماوی داده و روح ایمانی  
 را بنیول اصل وحدت و یگانگی جمیع ادیان و انبیاء  
 الهی و وحدت عالم انسانی که شاملوده حقیقتی  
 برای بنای جامعه دنیائی است هدایت نماید  
 اصل وحدت عالم انسانی اساس تعالیم حضرت  
 بهاء الله برای تجدید بنای اجتماع بشری  
 منشاء و مبدأ این اصل ملکوتی و دامنه قدرت و

تا اینجا از نقطه نظر علمی لزوم ایجاد تشکیلات و  
 سازمان اجتماعی جدیدی را مطالعه نمود تا به  
 زیاد ی از سیاسیون و محققین عالم پیشنهاداتی به  
 منظور استقرار صلح و سلام در اوضاع بین المللی بر طبق  
 بعضی از اصولی که ماذکر کرده ایم طرح نمودند -  
 معینا هرگاه تمام فائده بین افکار و صاحبان آراء در  
 موضوع یک برنامه پسندیده و عالی وحدت نظر حاصل  
 نمایند و جمیع وسائل و عوامل تنفیذ و اجرای آنرا نیز فراهم  
 کنند مادام که کامل روحانی که توه نافذ در حیات  
 عالم انسانی است در آن وارد نشود این منظور عالی  
 غائی هرگز دست نخواهد آمد زیرا یگفته را س  
 شالی ( Horace Holley ) پس از تدقیق و  
 تحقیق عمیق معلوم است که اساس منازعات کتونیسی  
 عالم نزاع بین دین و بی دینی و عبارت از خری بین روحانی  
 و مادیات است سیر تاریخ بطور کلی شامل ظهور  
 انبیاء و تعالیم صاد و مظاهر مقدسه بوده و هر  
 فلسفهای که شامل تعالیم و مادیات الهیه نباشد نمیتواند  
 علت ترقی و ارشاد عالم بشریت گردد  
 احساسات و الهامات روحانی در روتی بشر است که  
 استعداد تغییر و موافقت با محیط و اختراع و ایجاد در  
 برای بشر میسر میسازد قلب و وجدانی که یحلیه  
 اطمینان و اعتماد متحلی باشد بر جمیع موانع فائق  
 خواهد آمد حضرت عبد البهاء بیانی میفرمایند که  
 مضمون آن اینست هر چه ایمان شما قویتر شود

و عظمتش مانوق عقول و افکار بشر بوده و قایل حصول و ممکن الاجراست این اصل قادر است که اتحاد بشر را تاسیس نماید زیرا کلمه الله موجود و مؤید آنست استقرار دین و نفوذ آن در قلوب - نفوس بوسیله قوه کلمه الله است و بهمین دلیل کلمه الله یگانه قوه مهیمنه فاعله است که میتواند احساسات و عواطف انسان را بجانب وحدت توصلح و آشنایی سوق دهد استانوود کاتب (Stanwood Cobb) در تالیف اخیر خویش موسوم به "نجات و استخلاص دنیای روبروزال" باین دلیل متقن تکیه میکند که - آفات و بلبات عموم دنیائی آنقدر که بضعف احساسات و عواطف بشر مربوط است بضعف قوای عقلی او ارتباط ندارد یگانه قوه و قدرتی که میتواند بر تمایلات بشر حکومت کند و احساسات فائده است و در همین عواطف و احساسات فائده دین سرآمد همه است دین است آن قوه فاعله که بالفطره عواطف و احساسات انسان را تحت اداره و حکومت خود در آورده و آنها را بصوب مسائل روحانی و اخلاقی سوق میدهد بهمین علت در روم جدید و دنیای تازه دین است بجای اینکه مانند گذشته شامل فلسفه های مذہبی و خصوصیات باشد بالضروره متوجه جنبه های - اخلاقی و اجتماعی بشر خواهد بود دینت جدید باید اخلاقیات بشر را طوری اصلاح کند و چنان خلق و خوی عموم و اجتماعی در افراد ایجاد نمایند که سد عظیم منافع شخصی محورزائل شود و مناز و خصوصیات حزبی و منافسات مذہبی معدوم گردد زیرا بر طبق بیان پروفسورهایدن (Hayden)

عضو دانشگاه شیکاگو "نفوس که فی الحقیقه - متدبندد یگرپای بند اختلافت سطحی و فرضی مربوطبفلسفه دینی نیستند بلکه درصددند علم و قدرت را وسیله اجرای نظم نویی قرار دهند که شامل نژادها و ملل و ادیان مختلفه بود و هر فرد انسانی را از عدالت و فرصت استفاده از مواهب الهیه بهره مند نماید .  
جای شك نیست که ترقی و علو امر بهائی مربوطه آن است که دیانت مزبور میتواند بر عواطف بشر حکومت نماید و افکار و تمایلات او را تغییر دهد و بغض و کینه و برادر مرتفع سازد و روح جانفشانی در راه سعادت عمومی را تقویت کند و اختلافت و تماد ماتی را که در نتیجه تفاوت خلق و خو پیمان آمده از بین ببرد و تمایل خالمانه و حقیقی نسبت بوحدت و صمیمیت در محیط اخوت روحانی واجتماعی ایجاد نماید مختصرا امر بهائی نفوس مختلفه را که هر يك در طریقی سالک بوده و دارای زندگی مخصوص و عقاید دینی متفاوت و پای بند افکار و نظریات مختلف سیاسی میباشد متحد گرد مویسه کمال رغبت و صمیمیت با یگدیگر نزدیک مینماید این جمعیت های متحد الفکر که بنام جامعه های بهائی موسومند در سراسر جهان یافت میشوند .  
اگر چه جمعیت بهائی در ید و امر قلیل و محدود بوده لیکن پیوسته وحدت نظر و تعاضد متبادله در پیشان حکمفرما بوده است زیرا جمیع اعمال عمومی و عمومی خود را با حیات و تعالیم مولای - خویش انطباق داده اند اولین اندر ریل Evelyn Underhill

نمایندگان منتخبه جمعیت در مسائلی که در بیانات حضرت بهاء الله مؤسس دینت نازل نشده حق وضع قوانین ندارند و نیز نظم بهائیان را همیشه یا انضمام اشرافیت (ارستوکراسی) و یا حکومت شرعی کلیسا (تئوکراسی) در یک ردیف محسوب داشتند. دینت بهائیان را یاری کشید و ملا که تعلیم مسائل مذهبی را کسب و وسیله ارتزاق خویش قرار دهد نیست و هر یک از افراد بهائیان باید بهترین وجهی بخد مت مشغول گردند شرائط نمایندگان منتخبه تمسک و تشبیه شد بد با اصول بهائیان و خلوص و انقطاع صرف و فکر سائب و ورزیدگی و شایستگی و لیاقت مسلم و تجربیات و تعمق آنها در مسائل است این محافل عهده دار وضع قوانین و تنفیذ آن قضاوت و رسیدگی بدعاوی در حوزه مخصوص خویش میباشند و آنچه که هدای و رهبر ایشان در امور است همانا مشورت با توجه و تبتل و همکاری و معاضدت باید بگر است .

مراکز مختلفه يك اقلیم هر ساله و گلاشی را انتخاب مینمایند که در انجمن شور روحانی (کانونشن) حضور بهم رسانند و یا انتخاب محفل روحانی ملی میبرد از نزد این محفل نیز مرکب از ۹ عضو بود و عهده دار امور مربوطه بجمیع مراکز محلیه میباشد مرحله دیگر تشکیل يك مجمع بین المللی است که بنام بیت العدل عمومی موسوم است این هیئت را محافل ملی برأی عمومی انتخاب مینمایند و بدین ترتیب هیئت مزبور محکمه بین المللی خواهد بود که نماینده دستجات و هیئت های مختلفه در سراسر

در کتاب خود موسم "حیات روحانی و حیات کنونی" راجع بامر بهائیان میگوید که امید آینده عالم انسانیت منوط بتشکیلی چنین جمعیتهاست که مؤلف مزبور آنها را بنام "کانون روح" میخواند این خانم علاء میگوید که "چنین جمعیتی هرگز اجازه ورود عناصر ماجراطلب را بخود ندارد و طرفدار و محبب اعتماد عمومی متقابل در بین افراد خواهد بود و چون تمام افراد اعضاء جمعیت در آرای و هدفهای مشترک پیش میروند و شوق و ذوق آنها مشابه میباشد لذا مسائل و تجارب روح در بین آنها صورت حذیقت گرفته و راجع بان آزاد و صفاقت و سادگی باید بگر محاوره و مذاکره مینمایند بدین نحو در بیابان فسر اجتماعی بشر بوستانهای راز و نیاز با عالم حقیقت برچون آمده و رفته رفته فوآت و احساسات اجتماعی که از خصائص جمعیتهای دینی زند و بانشاط است بروز نمود هر شد و نمو خواهد کرد" مطالعه و تدقیق در راداره و طرز کار جمعیت بهائیان امتیاز و تفاوت بینی را که این جامعه با تاسیسات کهنسال و پوسیده امروزه دارد آشکار میسازد نظم بهائیان را نمیتوان اصول دموکراسی کاملاً منطبق دانست زیرا در این نظم قدرت و اراده مطلقه مظهر امرالهی اراده مردم رادالالت و زهدیری مینماید کلیه افراد در جمعیت مجلس هیئتی را مرکب از نه نفر و یا سم محفل روحانی موسوم است برای اداره امور خویش را انتخاب میکنند این هیئت عهده دار وظائف اضاء و مشاورین برأی حل مسائل و مشکلات اعم از مادی و روحانی میباشد از طرف دیگر نظم بهائیان را نمیتوان با هیچیک از تشکیلات ورزیمهای مطلقه یاد یکتاوری مشابه دانست زیرا

سراسر جهان بوده و وسیله بهم پیوستگی و تجمع آنها در سلك يك جامعه عمومی دنیا است برطبق بیانات حضرت عبدالبهاء از خصائص اولیه این امنا "خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از - ما سوی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احبای سیر و تحمل بر یلاویندگی عتبه سامیه آلهیاست مقام و اهمیت این امنانوطیمراتب خلوص و جانفشانی آنها نسبت بمصالح عمومی جامعه بوده و راسی یا اعمال نظریات و اختیارات خوسترانندارد این هیئت پشتیبان و ناشرآمال و مفاسد عالی اخلاقی هستند که وسعت آن شامل جمیع جهان و رفاهت و همکاری با جمیع اقوام و ملل است و نظریات باینکه رئیس دایم این هیئت در حال حاضر و آتی ولی امریهائی خواهد بود افعال - هیئت یا مبداء الهام و هدایت الهی پیوسته تا گردیده است .

در جلد پنجم کتاب عالم بهائی خلاصه و نمونه ای از خدمات متنوعه و ساعی و مجهودات مختلفه - قریب هشتصد مرکز بهائی که در پنج قطعه عالم و در بسیاری از جزایر تاسیس گشته مندرج است این شرح بطرز سریع و روشن پیشرفت جمعیتی را که دارای نظم و روش کار ممتازی است مجسم نموده و عالم انسانیت که اکنون یا تزلزل خاطر از آمال و افکار واحده خویش مایوس و نگران است نمیتواند نسبت یا بن پیشرفت و ترقی بی اعتنایه آثار و کیفیات مخصوصه جمعیت مزبور بر طبق بیانات حضرت ولی امرالله عبارت از "نوه حیات و فعالیتی

که از موسسات زنده و فعال این نظم عظیم و پسر ربیعان یکمال وضوح و اتقان ظاهر و بارز است موانع عوالمی که بسبب شجاعت و تصمیم خلل ناپذیرترین این نظم بدیع مرتفع و زایل گردیده است حرارت شوق و وله فوق التصوری که در قلوب مبلغین سیار این دین تعظیم مشتعل و موجود است مراتبند اکاری و جانفشانی که یجد اعلی از طرف حامیان این نظم بدیع بمنصه ظهور رسیده - وسعت نظر - امید - توأم یا اطمینان - سرور و خیر و صلح و سلام - انتظام و اطاعت بینظیر - وحدت و یگانگی خلل ناپذیر پیروان این آئین - قدرت و توانائی عظیم روح نباض این امر در ایجاد یگانگی و اتحاد بین عناصر مختلفه موجوده و تطهیر آن عناصر از در نوع تحسب و

التیام و انجذاب آنها در ظل کلمه الهی جمعیت بهائی جامعه ایست که از مشکلات و پیچیدگهای که در طرز اداره دولتهای متحده موجود است آزاد میباشد و از اختلافات سیاسی برکارولی یا این همه مطیع و منقاد اوامرواقتدارات مسلمه حکومت عادله میباشد این جمعیت با احساسات وسیعه - دنیا خواهی و عضویت عائله بشری حسن محلی بودن را فراموش نموده است در امریکا و اروپا یا در مشرق زمین تجمع و معاشرت و مخالطه اعضا این جمعیت از نژاد سخ و سیاه و گندم گون و سفید کلیمی یا مسلمان و یامسیحی و یا از ادیان و عقاید سائره و اقوام و طوایف متضایره خواه از صنف صنعتگر یا تاجر یا عالم و سیاستمدار کلا بر روی قبول اصل مساوات روحانی کافه افراد بشر و توحید الهی مبنی



گردیده است در تعالیم بهائیت تفاوت‌های طبیعی و اختلاف بین استعداد و افهام نفوس امری مسلم و مورد قبول است لیکن در جمیع مراحل حیاتی فرصت پیشرفت و ترقی برای عموم یکسان تأمین و تضمین گشته است اختلاف در وضعیت اجتماعی و اقتصادی نفوس و درجات و طبقات اجتماعی مورد انکار نیست ولی در روابط روحانی بین نفوس وحدت مقام و مساوات تام حکم فرماست.

اعضای منتخبه در محفل باید با مسائل و اوضاع مربوط به جمعیت خویش آشنا شده و هر موضوعی را که بآنها عرضه داشته میشود بی غرضانه و بدون هیچگونه جانب‌داری تفاوت نمایند و یا حال تسوچه و ایتها و آزادی فکری عادلانه و بلا قید خود را نمایند نمایند عملیات و اقدامات اعضا محفل در وظل تأییدات و الهامات غیبیه الهی است و بدین دلیل در رتبه اولی نزد ذات احدیت مسئول اعمال خود بوده و تعهدی نسبت به انتخاب کنندگان نخواهند داشت اصل انتخاب سالیانه موجب میشود که کتبی و شایستگی عضویت روز بروز ترقی و کمال آرد لیکن صفات و سجایای خصوصی افراد اعضا محفل اثری در نقص و کمال هیئت نداشته و همچنین عضو ایشان در هیئت محفل علت امتیاز و اولویت ذاتی نفوس مزبوره نسبت بسایر همکاران و عمقدانشان در بین جامعه نخواهد گردید.

این تاسیس واجد شرایط کمال و اتقان است زیرا مؤید بتأییدات و عنایات الهیه است.

انقلابات و حوادث ملی امروزه و کشمکشهای سیاسی

و اختلاف مراتب در حیات اقتصادی و اجتماعی افراد بشر که بویا در تضاد است و تضاد ما و منازعات نژادی و مذهبی که پدید رجه شدیدی رسیده جمیعاً لزماً تاسیس و استقرار یک دولت حاکمه دنیائی را در راس حکومت برای حفظ و صیانت تمدن بشر شایسته و واضح میسازد. نظم اجتماعی که حضرت بهاء الله پدید نیا اعطا فرمود مانند من حیث المجموع شامل راه حل عملی برای تجدید بنای زندگی دینی و سیاسی و اقتصادی بشریت بوده و موجبات ایجاد و استقرار تشکیلات یک اتحاد به ملل دنیا فراهم مینماید اختراعات علمی و ترقی اصول صنعت جدید شاملود صادی همکاری بین المللی را بوجود آورده و حضرت بهاء الله طرح و نقشه مبانی روحانی و اخلاقی ساختمان بنیان عظیم انسانی را بصرف فضل در دسترس عالم انسانی گذاشته.

حال این افتخار و سعادت برای افراد بشر حاصل است که بر روی این اساس قصر مشید که عائله انسانی را در ظل خود مأوی دهد بنامیند مقصود و منظور نهائی و نهائی نقشه بهائیت بر طبق بیان حضرت ولی امر الله ایجاد و استقرار نظم نوین دنیائی است که حضرت بهاء الله اصول و مبانی آنرا بیان فرموده مانند نظریه و شیوه این نظم و میزان و معیار آن نه شرقی است نه غربی نه یهودی و نه مسیحی نه راجع بفقیر است و نه راجع بغنی نه مربوط بسفید است نه مربوط بسیاه تکیه نگاهش وحدت نژاد های مختلفه بشر است و علمش صلح اعظم و کمال و بلوغش پیدایش عصر طلائی و استقرار ملکوت است بر وجه ارض یعنی آن بومی که سلطنت بر ارض نبوی میدهد سلطنت ملکوتی و الهی

### نفحات مشکبار

\* هوالمبین الصادق الامین \*  
 \* کتاما شیان فی البیت و سامعا حدیث \*  
 \* الارض اذا ارتفع النداء من \*  
 \* فردوس الاعلی یا ملاء الارض \*  
 \* والسماء البشارق البشارق \*  
 \* یما انیل علی قیل اکبر الی \*  
 \* السجین فی سبیل اللّٰه مالک القدر ثم ارتفع النداء مرة \*  
 \* اخرى من الجنة العلیا یا اهل السفینة الحمراء اترحو \*  
 \* یماورد الامین فی حصن متین و سجن عین فی -  
 \* سبیل اللّٰه رب العالمین و  
 \* امروز روز نشاط و انبساط است لعمری د رملاء اعلی  
 \* یساط فرحی گسترده شده که برچیده نشود چه  
 \* که امروز عشاق مدینه وفاق و اتفاق بکمال اشتیاق  
 \* جانرا در سبیل نیر آفاق اتفاق نمودند و فدای  
 \* منصور یکا کردند سطوت ظالمهای خونخوار منعمین  
 \* نمود و آتش غضب سعی ایشانرا از توجه یازند  
 \* امروز در مدینه عشاق نغمه ها مرتفع و زمزمه های  
 \* لطیف روحانی مسموع طوبی از برای آنیکه یا صفا  
 \* فائز گشت و از ندای اجلی و صریر قلم اعلی محرم  
 \* نماند از ارض طاء خیرهای تازه رسیده حضرت  
 \* یاد شاه ایده اللّٰه جمعی را اخذ نموده از جمله  
 \* د و نفر از اهل بهاء و اصحاب سفینه حمرا را  
 \* مع آنکه کل شاهد و گواهند که این حزب منصور  
 \* اصلاح عالم و تهذیب نفوس ام بوده و هست و  
 \* سبب و علت این اخذ از فرار مذکور آنکه بعضی  
 \* از مکتوبات و اوراق در خانه ها و بازارها بافتما  
 \* که مشعر بر خلاف آرای دولت و ملت بود یوگان

مقدس و مبرا بوده و هستند این امور و امثال آن  
 از ارادل قوم است .  
 اهل بهاء من غیر ستر و حجاب آنچه را که سبب  
 اتفاق و اتحاد عباد است و همچنین علت عماریلاد  
 امام وجوه امراء و علما ذکر نموده اند یا امید آنکه اهل  
 فساد و نزاع را از ارض بردارند و سلاح عالم را  
 باصلاح تبدیل نمایند حق شادند و نفس مبارک -  
 یاد شاه ایده گواه است بر آنچه ذکر شد چهل سنه  
 میشود که این حزب تحت سیاط ظالمین میتلاسم  
 قسمی که اطفال را هم گشته اند چه مقدار از اینا  
 را که امام وجوه آباء سرپریدند خانه و اموال را نهیب  
 و غارت نمودند معدک احدی از این حزب لم  
 ویم نکته و برد فاح قیام ننموده از جمله حکایت  
 وارد و واقعه عشق آباد و همچنین در ارض صاد -  
 وارد شد آنچه که سبب حنین خاصه و عامه گشت  
 امر منکری که سبب حزن اکبر شد آنکه شخص معروفی  
 از جانب بزرگی در عکا وارد و مطالبی اظهار -  
 نمود همون با اللّٰه از آن مطالب ذکرش بهیچوجه -  
 جایز نمچه که ظلمت ظلم نور عدل را مستور نموده  
 یل محو کرده نفسی مشاهده نمیشود که نفسی لله  
 بر آورد و عرایض مظلومهای عالم را یشنود هل من

ذی اذن تسمع او رد علینا و هل من ذی عین لتری  
عبر اتنا نسل اللمان یزین الامریطر از العدل والعلماء  
بنورا لانما فو یؤید هم علی الرجوع الیما نه هو الغفور  
التوابو چون مظالم آن شخص مقبول نیفتاد او مرسل  
اویعناد قیام نمودند سید بزرگواری را از اولاد رسالت  
و ذریه بتول در ارض صاد شهید نمودند و بعد جسد  
انور اطهر را سوختند و قطعه قطعه کردند بدست  
ناحت الاشیاء و لكن القوم فی غفلة و ضلال و از آن بوم  
الی حین امریکمال ظلم و عناد ظاهر اموال ابن حزب  
مظلوم را تخریب یا سبب اخذ نموده حال شد هائ متعد  
در دست موجود و لكن مستور الی ان یاتی الله بنور  
عدله از جمله نفوس ماخوذه در ارض طاء سبح افندی  
بود مولای او چون ابن خیر منکر را شنید خوف ارگانش  
را اخذ نمود از بیم انکما سرار مکنونه ظاهر شود و  
یغضای مخزونه یا هرگردد سبحان الله مع انکه حضرت  
پادشاه در شرف مقامی از مقامات ملاحظه عدل را داشته  
و بقدر وسع در عمارت بلاد و راحت عباد جاهد محذ لك  
نفوسیکه از عنایات ملوکانه بمقامات عالییه رسیدند و بنا  
خزینه شدند قصد نورش نمودند و لكن آنحضرت از عدو  
خانگی بیخبر یاری چون خیر اخذ سیاح را شنیدند در  
ارض یا آثار ظلمی برافروخت که شیوه مثل نداشته گسه  
شاید یابن اعمال خود را ظاهر نماید و پیری سازد اما  
حکایت ارض یا در شب بیست و سوم رمضان المبارک  
نواب و الاحاکم آن ارض یا مرصا قند اولیای الهی  
نمودند و جنابان آفعلی و آفانصر علیهما یها الله  
و رحمته را در جامع شیخ حسن سیزواری اخذ نمودند  
و یاگماشته و الاحاجی نایب یا خفت تمام آند و مظلوم را

بمحضور می یزند بعد از اشتعال نار ظلم و غضب به  
حبس میفرستند و در حبس از قرار مذکور خار فانیه  
اخذ نموده مرخص مینمایند بعد مجدداً یا مروا این دو  
نفر را محجند نفر مظلوم دیگر میگیرند و اسباب آن نفوس  
مقدس در دفتر الهی از قلم عدل مذکور مرتب در  
آن محل که اخذ مینمایند آن مظلوم ها را بازنجیر می یند  
و در عرض راه خلق ظالم یا چوب و سنگ و زنجیر میزنند  
تا آنکه محضور و الامیرسانند بسیار خوشونت میشوند  
و بعد علما را حاضر مینمایند و تحریک می کنند لله  
الحمد آن نفوس مقدسه با ستقامت کبری ظاهر سطو  
ایشانرا از سراط مستقیم منع ننمود و غضب از نور یقین  
محروم نساخت آنچه سؤال نمودند جوابهای شافی  
کافی شنیدند و بعد امر حبس شد و در حبس مبلغان  
اخذ نمودند و شیخ دوشنبه سرکار و الاجازل الدوله آقا  
شیخ حسن و پسرهای شیخ یا فخر و شیخ جعفر  
و همچنین آقا سید علی مدرس یاد و سرشرو جمعی  
دیگر از علما را احضار مینمایند و آقا ناصر مظلوم را  
در حضور طناب می اندازند و شش نفر دیگر را با آن  
جسد اطهر یا شیپور و طیل و ساز میبزند پشت  
تلفرا فخانه جناب حکیم الهی حضرت ملامهدی را  
گردن میزنند و جان نداده شکمش را پار می کنند و  
سنگسار مینمایند و بعد جسد مطهرش را میبزند در مرحله  
دیگر آتش میزنند جناب آفعلی را هم در بختانه یکی  
از علما سر میبزند سر را بالای نیزه میکنند و بدن مطهرش  
را نشانه حجره ای یغضامینمایند و از قرار مذکور عارف  
ریانی ملا محمد سیزواری را در بختانه شیخ حسن  
میاورند و لكن آن مست یاده الاست بخلق میفرماید (بقیه  
در شماره بعد)

از کنار افق مشعلی نورانی و چراغی  
 ناگهانی پدیدار گردید و صحرا را  
 وسیع را پدیدار خود شاد و منور  
 گردانید این همان ماه بود که اول  
 بشکل مجموعه طلائی از زیر خط  
 منحنی افق باشکوه و زیبایی برخاک  
 سیاه صحرا خندید سپس کوچکتر  
 و کم رنگتر شد . نوارهای رنگین خود را بعمیقتر  
 و دوزترین نقاط میرسانید و مادر وار از روی مهر  
 و شفقت بر کلیه موجودات میتابید . شب روشنی  
 بود و قلب از مشاهده منظره زیبا گلزار و گلشن  
 نسیم خنکی میوزید و چون بخاک نرم صحرا میرسید  
 امواجی تولید مینمود . در وسط بیابان جاده -  
 یاریکی دیده میشد که در روی آن جای پای شتران  
 ترسیم شده بود . سکوت و آرامش حکمفرما و راحتی و  
 آسایش در این بیابان وسیع بین انتها فرمانروا بود  
 فقط گاهگاه صدای خفیف بگوش میرسید شبیه به  
 صدای عربی که شتر گمشده خود را ندانمیکند ولی  
 آنهم در فضای پهناور بیابان محو میگردد از دور  
 از آنطرف افق گردی پدید او لکه های سیاهی مویدا  
 گردید که بطرف جاده یاریک میآمد کاروان بود که  
 در سکوت و امان حرکت میگردد صدای زنگ آن اول  
 خفیف بود بعد شدید گردید در جلو عربی قوی  
 دریکل هدای و راهنمای ناروان بود و باز مزمعشار  
 نغز و دلنشین روی شاد و سرور در همراهان  
 میدید . شخصی نورانی و مردی متبسم و روحانی  
 پس شصت سالگی که امام سبزی بر سر داشت در

وسط کاروان دیده میشد آثار  
 متانت و بزرگواری و سپروبرد یاری  
 از وجناتش پیدای علائم فطانت  
 و فرزندی و تهور و مردانگی از  
 چشمانش مویدا بود همه خواب  
 بودند ولی او بیدار و هوشیار  
 یا طراف مینگریست . پرتو ماه  
 نورانی وجهه آن دیده ریانی را روشن داشت نور  
 ایمان و ایقان و روحانیت حضرت یزدان از آن -  
 ساطع و جمله همراهان باگردنهای خمیده و پیرا  
 مطیع و خاضع بودند . این نفس مبارک جناب حاجی  
 سید کاظم رشتی بود که بعد از وفات جناب شیخ احمد  
 احسانی آن گوشه گرانبهای یزدانی عهده دار امور  
 شیخیه گردید موبه سرپرستی آنان قیام فرموده بود  
 از کریلا بقصد کاظمین مسافرت و تلامذه اش و پیرا  
 همراهی و مشایعت میکردند احترامی بسزاسبت  
 با استاد بزرگوار مجری میشدند و در حرمنزلی وسائل  
 راحتی و آسایش آن پیر عالیقدر را آماده و مهیا  
 مینمودند . بوم چهارم در بقعه فرارسید پس از طی  
 مسافتی بعید و تحمل زحماتی شدید هنگام ظهر  
 به مسجد برانته در وسط راه بنهادند و کاظمین رسیدند  
 آفتاب یا بدل و پخشش و سخاوت و دهش اشعه گم  
 خود را بزمین تابیده و موجودات از فرط گرما بیتاب  
 و توان در گوشه خنیزده و آرمیده بودند در اطراف  
 مسجد چند درخت خرما با خرمی و صفا ند یافتند انرا  
 و سایه شاخه های آن بر روی زمین سفند ظفرتاخته بود .  
 جناب حاجی سید کاظم در زبرد رختی از خرما

برای استراحت از گرما فرود آمدند و مؤذن را امریه اندان فرمودند سنوز نماز تمام نشده بود که عربی دوان دوان از دور عیان شد و باعجله و شتاب و تشویش و اضطراب خود را حاجی رسانید و بسرا در آغوش گرفت و با چشمی گریان و صدائی لوزان گفت: ای سید بزرگوار و ای مرد دانشمند عالمفدا رسیده روز است که در این چراگاه سمسایه در زمین بیابان و سیخ بی سایه بچرانیدن گوسفندان خود مشغول چوپانی بیچاره ام و مردی پریشان و آواره خوابی دیده ام پس عجیب و خیلی مهیج و مهیب رسول خدا حضرت محمد علیه سلوات اله را در عالم رویا یا صورتی نورانی و زیبا مشاهده نمودم که سراندا فرمود که:

ای چوپان تو بیک حضرت رحمانی یشتو کلماتم را و در خزینه دین حفظ نما زیراود بعثی است از نزد پروردگار و امانتی است از جانب حضرت کرد این گوشه گرانبهارا بتو میسپارم تا آنکه محفوظ و مسون داری سرگاه بامانتو فانتی و جفا نوزی کار تو بزرگ و نیتو شوی و چنانچه تصور و اتمان و وز عذاب و عقاب شدیدی از جانب پروردگار بر تو فرود آید و آن و دبعه آسمانی و مزد هیزدانی اینست

در مسانت نزدیکی از مسجد پراشه اقامت و سه روز بر این حال مداومت نما روز سوم بی از تریه من در آن مکان حاضر و عیان گردید نام مبارکش سید ناظم و از مفاخر رجال و اعظم است یا اسحاق و اتباع خود سمراه است و سنگام شهر در زیر این درخت خرمانزاد یک مسجد بیارمد و ساعتی در آن

محل برای استراحت بماند چون یصلا فانت رسیدی و سیکل نازنینش را بدی تحیات مرا بر او برسان و این بشارت روحانی و مژده آسمانی بروی برخوان که ای سید نیک منظر و ای میسر خوش محضر ساعت فراق سپری شد و در فایق حرمان پر احتراق منقش گردید سنگام وصال رسید و صبح شاد و نشاط دمید بعد از سه روز و رسول بگریلا بدون رنج و ایستاد ریوم عرفه پیروی من پرو از کسی و یا مفریان و دوستان الهی در و هم آواز گردی پس از صعود تو بجهان پنهان در بیری نگردد که شهو ریزدانی و موعود آسمانی ظاهر و عیان گردد و عالم بنور و جهرش روشن و قلوب دوستان گلزار و گلشن شود . . .

کلام اعرابی چون پایان رسید تیسعی شیرین و خنده زیبا و دلنشین در لبان جناب سید ناظم نقش بست گوش از فرط سرور و شادی رون منبیر از عالم خاک رست رو یا عرایب نمود هوا بیانی فصیح چنین فرمود: ای چوپان از پیک امین حضرت یزدان ای مرد خدا و ای ناصد پاکدل بی ریب و ریا در صحت رویای تو شک و تردیدی ندانم و موفقیت و کامیابی تو را از خدا خواهم قلم قضا چنین امضاء فرموده و عمر من پانتها رسیده حقا که چنین خواهد شد . . .

اتباع و اصحاب که در حویش بودند در حزن و اندوه عمیقی فرو رفتند . گریه و زاری آغاز نمودند و با سنگ نوبیدی در مساز شدند که ای پدر مهربان و ای استا عزیز ترا زجان فراق را چگونه تحمل کنیم و در روز حرمانت را بیچه نحو بخود راه دهیم ماد لدا نه تو مست و آشفته چمان تو ما را در چار حرمان مفرسا

وافتادگی و بیچارگی این گروه پویشان راخواه .

جناب سید کاظم لحظه در بحر فکر فرو رفتند سپس سر  
 را بلند فرموده اصحاب را بدین خطاب راضی و امیدوار  
 داشتند . آیا محبت و مهرشمان نسبت بمن ته از برای  
 کس است که جملگی منتظر و مترصد ظهور او هستیم ؟  
 آیامیلند ارید کمین از شما پنهان شم و موعود محبوب  
 ظاهر و عیان گردد ؟ همه سرها زیر افکند و ساکت  
 بودند هیچ صدائی شنیده نمیشد گاهن آهی از درون  
 سوخته ناتوانی جمع رامتاثر و محزون میداشت یلس  
 آتش فراق پراحتراق است ثلوث عاشقانرا میگرد از و  
 دلدادگان را رنجور و ناتوان میسازد بوم عرفه سال ۱۲۵۹  
 فرارسید و ثلوث منتظرین از آن پیشگوئی هولناک از خود  
 واضطراب طپید .

در اطاق محقری در رکبلا مردی نورانی تریب بستن  
 شصت سالگی چشمان زیبا از عالم پر زحمت و بلا فرود  
 بست لبانرا آهسته و آرام روی هم نهاد و یا تبسمی  
 دلنشین جان بجان آفرین تسلیم کرد .  
 تبسمی که اسرار و رموزی را حکایت میکرد لیخندگی که  
 اخبار و احادیث را بزیبان جان روایت مینمود شکسر  
 خندی که آهنگ مژده و بشارتی بدیع میسرود رویای  
 صادقه چویان آن بیک بز آن تحقق یافت و پیشتر حضرت  
 اعلی روح ما سواه نداه بقرایدی شتافت از جهان خا  
 آزاد و در جهان تابناک شاد گرد بد جسم مطهرش  
 را در قرب مقام امام حسین بخاک سپردند ولی روح  
 پرانوارش را ملائکه مقربین یا هلله و شادی مؤوی  
 پروردگار بردند . عصر آنروز که ضجه و ناله در رکبلا  
 برپا و شور و هیجانی هوید اگر بد عسا کر ترک ایوا ب

قلعه را شکستند و مردم را گرفتند و بستند و بعد زیاده  
 را کشتند منزل جناب سید کاظم در آنروز منزل احزان  
 بود و ملجاء و پناهگاه در سوختگان پیروان و نزد یکناش  
 بر ماتم و ناره گریه وزاری میکردند و ندیده و بیقراری  
 مینمودند فراقش قلب را میگرداخت و مرغ دل نواهای  
 غم انگیزی میخواندند بعضی از اصحابش بدستور استاد  
 پاک نهاد در پی قائم موعود پراکنده و متواری شدند و  
 برخی در اماکن مفید سماعتی و گریه وزاری متوسل  
 گردیدند تا آنکه طالبان یوصال با رسیدند و مشتاقان  
 جام صهبای پروردگار چشیدند و بفریاد نگاه عشق

مجنون وار دیدند . انتهمسی  
 ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟  
 سؤال و جواب ؟  
 ؟  
 ؟  
 ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

جواب سئوال آتای نورانی در وقت :  
 پس مدت توقف حضرت بهاء الله در کردستان مطأ  
 کتاب عالم بهائیان در وصال تمام میباشد در صورتیکه  
 در لوح مریم میفرماید . . . . . و سال اوازید . . . . .

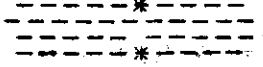
ج - راجع بسئوال از جمله نازله در لوح مریم بیان مبار  
 در و سنه او اقل است نه در و سنه او ازید منصوص از  
 در و سنه در و سال کامل قمری و منصوص از اقل اشعاره  
 بحساب شمسی است که باین حساب از و سال قمری  
 کمتر است .

س - مدت اقامت حضرت بهاء الله در رمونج ورود تا حركت  
 بگردستان چند سال بوده است .

ج - ورود حضرت بهاء الله جل اسمع الاعلی از طهران  
 بیغد آن در بیوم ۲۸ جمادی الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری  
 هجری مطابق ۸ ماه اپریل ۱۸۵۳ میلادی بود .  
 چند روز پس از ورود بکاظمین تشریف بردند و بر حسب  
 تقاضا و پیشنهاد برخی از متصدیان امور ایرانی از  
 کاظمین بیغد آن کهنه انتقال فرموده و در اواخر ماه  
 رجب سال مزبور در بیغد آن کهنه در بیت حاجی علی  
 مدد باعائله مبارکه سکونت اختیار کردند و عیناً  
 در بیگل مبارک در بیغد آن بجبال کردستان در بیوم وازید  
 رجب ۱۲۷۰ هجری مطابق ۱۰ اپریل ۱۸۵۴ -  
 میلادی بوده است و مراجعت بیغد آن از سلیمانیه  
 در بیوم ۱۲ رجب ۱۲۷۲ هجری مطابق ۹ اسفند  
 ۱۸۵۶ میلادی بود مدت غیبت مبارک در و سال  
 کامل قمری طول کشید .

( فصل هفتم گاد پسزای ) \*

( God passes by ) \*



۷- هیئت تحریریه مجله انتشار نشریه

آهنگ بدیع جوانان بهائی طهران

دوائر متفرعه

هیئت ترجمه ترجمه مقالات برای آهنگ بدیع

دائرة خبرنگاری جمع اخبار تشکیلات جوانان

دائرة اداره تهیه مطالب سودمند

صفحه کودکان برای کودکان

هیئت مصححین تصحیح مقالات آهنگ بدیع

دائرة مسابقات جمع آوری مسابقات

سر دبیران : تنظیم مقالات

۸- هیئت مالی جوانان برای نگهداری

حساب و تنظیم دفاتر محاسبات تشکیلات جوانان

۹- هیئت مدیره مجمع برای اداره مجمع

جوانان بهائی جوانان و وظائف مجمع طهران

دوائر متفرعه

کمیسیون تنظیم پروگرام تهیه پروگرامهای

مخدوم برای مجمع

کمیسیون ورزش اداره زمین ورزش جوانان

کمیسیون بوفه اداره بوفه مجمع

کمیسیون تکمیلی برای توسعه معلومات

و تحکیم بنیان ایمان جوانان تازه تصدیق

دوائر متفرعه

کمیسیون کتابخانه و نشریات تهیه کتاب

و نشریات برای مصدقین

کمیسیون ادبیات و تالیفات برای توسعه

معلومات جوانان و مسائل علمی و ادبی و

اداره انجمن سخن و وظائف مهمه دیگر

دوائر متفرعه کمیسیون تنظیم فهرست کتابهای

۱- کمیسیون مرکزی تبلیغ

دوائر متفرعه

کمیسیون بحث و مطالعه برای تشکیل جلسات بحث و مطالعه

کمیسیون تحریر حقیقت کفرانسه های جوانان غیر بهائی

کمیسیون نشریه تهیه نشریه تبلیغی جوانان

دوائر متفرعه گانه برای اداره ۱۶۸ کمیسیون پنج نفری

کمیسیون حومه برای اعزام مشوق و مربیان حومه طهران

۲- کمیسیون مرکزی احتفالات

الف - برای تنظیم احتفالیه کامل عموم جوانان طهران

ب - اداره کمیسیونهای تابعه

ج - انعقاد احتفالات بزرگ اساسی

د - ایجاد ارتباط و مکاتبه بین جوانان طهران و سایر بلاد

دوائر متفرعه

کمیسیون کفرانسه ها تشکیل کفرانسه های زیاد اجتماعی و

اخلاقی و تربیتی و از این قبیل مسائل

کمیسیون نو جوانان اداره احتفالات جوانان ۱۵-۲۱ سال

کمیسیون نظمی برای تعلیم اصول اداری بهائی جوانان

۳- کمیسیون احتفالات شماره ۱ دارای ۱۲ احتفال

برای اداره احتفالات ثابت جوانان ناحیه یک طهران و جمع

تفلیهای جوانان و اجرا و وظائف مهمه سایر مواضع مساعی یا

کلیه تشکیلات لجنه

۴- کمیسیون احتفالات شماره ۲ دارای ۱۸ احتفال

اداره احتفالات ثابت جوانان ناحیه ۲ طهران و

۵- کمیسیون احتفالات شماره ۳ دارای ۷ احتفال

اداره احتفالات ناحیه ۳ طهران و

۶- کمیسیون احتفالات شماره ۴ دارای ۱۰ احتفال

اداره احتفالات ثابت جوانان ناحیه ۴ طهران و

دوائر متفرعه کمیسیون موسیقی برای اداره موسیقی جلسات ناحیه









د ر مجمع جوانان

روزهای چهارشنبه پنجم جمعه و شنبه ۷ و ۸ و ۹  
 تیرماه رسالین مجمع جوانان کنفرانسهای توسط آقای روحی  
 روشنی در باب اصول عقاید اقتصاد احزاب و آئین بهائی  
 ایراد گردید آقای روحی روشنی پیراز بیان تعریف سوسالیم و  
 تاریخ پیدایش آن و عقائد مکاتب مختلفه سوسالیم بشرح مارکسیسم  
 ( سوسالیم علمی ) پرداختند و میان این نظریه و لاکم نظریه ارزش  
 ماتریالیسم تاریخ و مسئله تمرکز است بدلائل علمی و عقلی رد کردند  
 سپس حل مسئله اقتصاد و تعدیل معیشت را در این آئین نازنین  
 مطرح فرمودند و درکن اساسی این تعلیم مبارک را از نظر اخلاقی  
 و حقوقی بیان نمودند و در خصوص روایت کارگر و کارفرما مساوات و مواسات موضوع زارعین و تاسیس صندوق  
 در هر قریه و خوب کار مسأله مالکیت وارث و آزادی اعتصاب و انقلاب توزیع عادلانه منایع ثروت و مواد خا  
 و تنظیم بازارهای عمومی اقتصاد و بنظارت مؤسسه حاکمه بین المللی بهائی بر امور اقتصاد عالم بشری و مسائل  
 از این قبیل سخن گفتند و مورد کمال استفاده جوانان دانش طلب گردید .

شایان در تشنید اساس تبلیغ و مهاجرت یا مید  
 کیسب رضای مولای بیبعتای اهل بهاء سعی وانی  
 میدول دارد .

تأسیس کمیسیون مجمع + موافقت محفل مقدس روحانی  
 و بانتخاب لجنه جوانان بهائی طهران اخیرا کمیسیون  
 مجمع جوانان بجای هیئت مدیره سابق تأسیس گشتند  
 با شور و نشاط و فعالیت شایسته بخدمات مرجوعه و وظایف  
 اصلیه پرداخته است . امیدواریم که این کمیسیون  
 در تحکیم اساس مجمع و تنظیم و پیراز برگرام  
 های مفید و تکمیل وسائل این مؤسسه توفیق  
 تام یابد .

تجدید لجنه جوانان بهائی طهران

اولین جلسه لجنه تجدید روز چهارشنبه ۹ آذرماه  
 تشکیل گردید و سران انتخاب هیئت عامله بتمشیت امور  
 و اجرای وظائف مقدسه خویش پرداخت هدفتشکیل  
 جوانان در سال گذشته ایجاد نهضت و حرکت درجا  
 جوان بود و بیدار کردن حس مسئولیت و فداکاری در آن  
 و پیراز فواید و افتراعات استعدادات ایشان - لجنه تجدید  
 نیز باتائید و تمدیق موفقیت لجنه گذشته در اجرای  
 نقشه جامع خود مدغم است که اقدامات و تشکیلات  
 سابق را توسعه کامل بخشد و برای تصمیم معارف و ترویج  
 معلومات و تحکیم بنیان عرفان و ایقان جوانان واقدا



بهری فیره میگرفت از نور  
 حظی سره میریود و سیا ر  
 تا آنکه فروغ فجر صادق  
 میشد زکرانه ها پدیدار  
 آنگاهود اع مینمو ه نسد  
 باران همه ناگزیر از این بار  
 آنشب که یلای ناگهان سخت  
 آشوفت مسرا یسختی افکار  
 شمد نوش کام من همه نیش  
 گل گشت بدیدگان من خار  
 اندیشه من ز ساحل امن  
 در رورطه خوف شد بیکبار  
 نومید شد زهر امیدی  
 بیچاره شده ز چاره ناچار  
 می جست پناهی نمی یافت

می بود زنی پناهی افکار  
 از این دل تنگ گشت آنبوه  
 تو میدی و خوف ورنج و آنبوه  
 (۲)

جان بد که دل زرنج بسیار  
 افتاد بیاش و بینوائی  
 میخواست کر آن غمش رها ند  
 نمود بدوره رهائی  
 چون داشت پیش از اینکه گیرد  
 با عالم خاک آشنائی  
 در عرصه فوق این عناصر  
 راهی بحریم کیرائی  
 اینجا که گرفت روزگی چند  
 از رگه حضرتش جدائی  
 از یاد نرفته بود او را  
 آن مهر همیشه خدائی  
 آن بنده نوازی و بزرگی  
 آن خواجهوشی و یاد شاهی  
 دل را چو پسریش بد و نومید  
 کردش بخدای رهنمائی  
 بگشود ز ظلمت ملالت  
 راهیش بسوی روشنائی  
 دل زار پیشگاه بزدان  
 نالیدی گره گشائی  
 تا آنکه شد شرزنگ اندوه  
 از لطیف خدای غمزدائی  
 شادان شد و لاجرم شاد  
 آنکس که زیندغم شد آزاد

\* اثر طبع آنای خلیل سهیل \*

\*\*\* آنشب \*\*\*

آنشب همه اختران نمودند  
 از ابر سیده حجاب رخسار  
 گرد بد زتوده های ظلمت  
 یکباره فضای آسمان شار  
 غمناک شده چنانکه گوئی  
 باشند چو من بغم گرفتار  
 آری چو غمی رسد بیماری  
 وانگاه چنین شد بد و شوار  
 باران همگی زغصه او  
 محزون و غمین شوند ناچار  
 مانا که ستارگان گردون  
 زانکاری من شدتد افکار  
 این اخترگان که مینمودند  
 در دیده ام از میپسودیدار  
 با چشمک دلفروز طنز ساز  
 یا غمزه دلفریب عیار  
 میبود دودیده فارغ از خواب  
 میماند شب تمام بیدار

- \*\* تمرکز سرمایه -



عدم توازن بین ثروت افراد و اختلافات طبقاتی از اموری است که از قدم الا بام موجود بوده شاید کسانی که این خطوط را بخوانند از تاریخ بیاد داشته باشند

وضربه قطعی بدوره غلامی وارد آمد .  
سرون وسطی :- در رفرون وسطی وضع غلامان عوض گردید و بحالت وضعیبت خاصه بگری درآمد در بعضی امور آزاد ود برخی کارها فرمانبرد ارگشتند بدین

که باغلامان چه میکردند و چگونه؟ \* \* \* \* \* نگارش آنای سبوس ارجمند \* \* \* \* \* معنی که در این دوره غلامان فقط بسبب آنکه غلام بوده اند \* \* \* \* \* باید بقسمی ترتیب و تعدیل در امور معیشت \* \* \* \* \* خانواد و مزرعه داشتند و ارباب چشم از جمیع محنت آنسان \* \* \* \* \* خلق شود که فقر و احتیاج مفقود گردد تا \* \* \* \* \* های ایشان حق فروششان را در میپوشیدند و فی المثل برای \* \* \* \* \* هر يك بقدر امکان باندازه مقامش از هر \* \* \* \* \* نقاط و در دست داشتند یعنی شکستن يك ظرف او را طعمه \* \* \* \* \* درجه که دستنصبی از وسعت و رفاهیت \* \* \* \* \* بطور کلی در عین آزادی جز و ماهی درنده مینمودند \* \* \* \* \* داشته باشد (از صحبت های مبارک حضرت \* \* \* \* \* و وابسته زمین بودند \* \* \* \* \* عبدالبها در بار سن )

ما در اینجا برای روشن شدن \* \* \* \* \* و مسائل تولید در آن زمان عبارت بود از زمین و زارع و انزار کشت این و مسائل تولید قدرت سیاسی میکرد بخصوص بعد از حمله اقوام ژرمن که لطمه بزرگی بمرکزیت دولت و قدرت وارد آمد و حمایت دولت و نانون از افراد از بین رفت تا پادشاهان سابقین که از داشتن قدرت تولید محروم بودند جبرانه فقط از نظر اقتصاد و بلکه از جهت سیاسی و قضائی نیز تحت نفوذ مالکین بزرگ قرار گرفتند . این حالت تا قرن ۱۱ میلادی ادامه داشت و اربابها از محصولات زمینهای خود زندگی مینمودند و زارعین حتی پارچه و کفش ایشانرا نیز تهیه میکردند و حوائجشان بر طرف میساختند یعنی بطور کلی در آن احتیاجی بیخارج نداشت و از صنعت شهری نیازی بود پس فرقی عمدتاً این بود و در این بود که در دوره غلامی آنچه از کار غلام بدست میآمد اصولاً تعلق با آنها و ارباب داشت ولی در این دوره عمده و دسترنج کار این غلام آزاد شده از آن خود او بود منتهمی قسمت عمدتاً از آن بعنوانین

دین خوانندگان عزیز بدکرتاریخ مختصری از تجمع ثروت و اختلاف طبقاتی میپردازیم تا این نکته روشن شود که تا این غنای فاحش و فقر مفرط از میان نرود - صلح و سفا چون کیمیا خواهد بود .

در روزم اشخاصی ثروتمند عده زیاد غلام در تحت اختیار داشتند و با آنان بهر طریق که میخواستند معامله میکردند در عمل خلاقی که از این افراد مشا میگشت ولو در قدر ناچیز بود تنبیهی داشت و مجازاتی بر آن مقرر بود اولین قدمی که در راه آزادی غلامان و نجات آنان از بندگی بعمل آمد نبرد بود که بمرکز گام اسپارتا کوس در سال ۷۲ قبل از میلاد در کوه وزو انجام گرفت و خونها در این راه ریخته شد که تشریحش بسبب تحویل میگردد ولی در اثر این جنگ و انقلاب کم کم وضعیت غلامان تغییر کرد تا در رفرون بعد از میلاد که در اثر حمله ژرمن در روزم سازمان آند دولت در هم شکست

متعلق باریاب میگشت این د هافین وزارمین آزاد  
 شد هراسرف و دگره آنها را سرواژ گفتند . این تغییر تا حد  
 از سختی زندگی آنان کاست ولی یاز فشارهای طاقان -  
 فرسایشی که از طرف مالکین یا آنان وارد میآمد سبب بگشته  
 شورشهای گردید بدین سبب از قرن ۱۱ بعد یا پیش  
 آزاد ی بیشتری داد ه شد چه که سرفها که از این زندگی  
 بجان آمد ه بود ند زمینهای خود را گذاشته فرار کردند و  
 و بطور کلی این اختلافات شدید طبقاتی د ر اکثر نقاط  
 کم و بیش موجود بود .  
 توسعه تجارت : پس از کسب آزادی ترقی محسوسی  
 د زرراعت مشهود گشت و جمعیت نیزه را این زمان رویه  
 تزايد گذاشت و د نتیجه احتیاجات افراد رویا فزایش  
 نهاد تجارت رونقی بسزا گرفت از یکطرف و نیزه رجوع  
 ابتالیبامو تعبت تجارتی یافت و از طرف دیگر امنه تجارت  
 د ر داندن و بلژیک که د ر کنار ریابود ند و کالاهای اروپای  
 مرکزی را باندگستان میبرد ند توسعه یافت . باری کم کم  
 مد یترانه مرکز روابط تجارتی شد و تجار اروپائی بسبب  
 احتیاج روز افزون مردم برای خریدن ابریشم شام و چین و قزاق  
 ایران و عاج افریقا و ادویه هند و ستان و عطریات عربستان  
 بیند را سکندریه رفت و آمد کردند . رفته رفته این افراد  
 تاجر حس نمود ند که اگر با هم جمع شوند خطرات کمتری  
 متوجه آنها خواهد بود و بهتر میتوانند اجناس را حمل و  
 نقل کنند و ثروت خود را حفظ نمایند بدین طریق اولین  
 شرکت های تجارتی را تاسیس کردند و این چینیسن  
 ندسهای اولیه د ر مرکز سرمایه برداشتند .  
 ترقی صنعت - زندگی شهری : آهسته آهسته د ر کنار  
 جاده های تجارتی و مراکز خرید و فروش شهرهایی بوجود

آمد و آغاز زندگی شهری گردید . بتدریج کثرت زیاد  
 شد احتیاجات مردم هم تزايد یافت و بر میزان مصرف  
 افزود ه گشت از اینجهت لازم بود که بر میزان تولید هم  
 افزود ه گردید یا نتیجه صنعت رویتوسعه رفت و اول  
 صنعتی که رونق پیدا کرد صنعت پارچه بافی بود بطوریکه  
 د ر اول قرن ۱۲ د ر شهر میلان ۶۰ هزار نفر کارگر پارچه  
 بافی میکرد ند . د ر اثر این رونق صنعت و تجارت د ر آنگ  
 آنزمان که فقط شامل طبقه نجیب و روحانیون و طبقه  
 سوم بود د سته دیگری نیز نام تاجر پیدا شد ند و طبقه  
 خاصی بوجود آورد ند که صاحب ثروت هنگفتی بودند و  
 اینان نیز باریاب شهرها گردید ند .

جدید شد بد کارخانها از یکطرف و فشار اربابان د هات  
 طرف دیگر هفانانرا بر آن داشت که با انقلاب و شورش مردم  
 یکنونه از این انقلابات شورش بود که د رسال ۱۲۸۱ د ر  
 انگلستان د ر زمان سلطنت ریشارد د م اتفاق افتاد و منجر  
 بقتل وفارغ عدّه زیاده از اشراف و رعین حال از زارعین  
 گردید و تا حدی افراد ثروتمند و مالکین بزرگ را متوجه خطری  
 که یا آنان روی نموده بود نمود .

د ر قرن ۱۳ بطور کلی د ون پول داشتند و ذخیره کردن د ر  
 د هاتین نیز سرعت پیدا شد علت این امر آزاد ی بود که  
 کم کم بدست آورده بود ند یا اندک دقتی معلوم میشود که  
 تجارت و سرمایه داری با هم پیوسته اند ند . چه که سود  
 فراوانی که از تجارت حاصل میشد بجمع سرمایه کمک میکرد  
 کالای تجارتی د ر این دوره عبارت بود از محصولات طبیعی  
 مانند ادویه و گند مومک و ماهی و شمش - انواع صنعت که  
 عبارت از تهیه کثرتولیا س و تهیه افزار بود د ر حد و شهر  
 باقی مانده بود وضعیت کارگران د ر این دوره مشخصاتی

کارگران و شاگردان که هیچ امید و یبهودی وضعیت خود نداشتند دست با اعتصاب زدند و چون همگی دارای منافع مشترکی بودند و یکموقع مطالبات داشتند دست اتحاد بیکدیگر دادند و در راه دفاع مصالح خود - تشکیلاتی تأسیس کردند که نام آن تا چند شهر کشید شد. مقصد و اساس از این سازمانها این بود که برای اعضاء خود اولاً کار پیدا کنند و ثانیاً از فشارهای صاحبان ثروت محفوظ بمانند رؤسای کارخانها و شرورتمندان هم در مقابل این تشکیلات یا هم نزدیک شدند و متحد گشتند بدین طریق در شهرها تضاد اقتصاد و اجتماع پیدا شد.

توسعه شرکتهای تجاری: یکی از فضایای جالب توجه قرن ۱۴ و ۱۵ توسعه سریع شرکتهای بزرگ تجاری و نمایندگی آنها است که در نواحی مختلفه تأسیس شدند در همین زمان بود که بتدریج تاجرها بطریق یکایک برکنار سرمایه و نگاهداشتن دفاتر و مقررات باز کردن اعتبار رایاد گرفتند در سال ۱۴۰۷ هم اولین بانک ازمنه جدید در شهر زن وجود آمد.

مستخرجهای از توفیق منبعها و حضرت ولی امرالله  
ارواحنا فداه تموز ۱۹۲۵

..... همچنین تعدد و تداول شمائل و صورت و صور متحرکه حضرت عید البیها در بین جمهورناس چه بار و چه اغیار جائز نه و نما پش آن در رهسر مومنی از موانع جائز نه که مضر بمصالح امریه است و مخالف شان و حرمت وقد رومنزله همچو آثار کریمه شریفه مفید است امید آنکه احببنا علی الخیر جوانان پر شور و نشاط مراعات این امر مهم لازم را نمایند و از حد آن آب و رتبه اعتدال خارج نگردند و تجاوز ننمایند.

خصوص بخود داشت مثلاً محل کار این کارگران بجا آنکه در کارخانهای بزرگ باشد کارگاههای کوچکی بود در رئیس کارخانه نیز بحساب بکنفر سرمایه در تاجر کسار میکرد و خود شکارگری پیش نبود قرون اخیره در قرن ۱۴ و ه تغییرات کلی مشاهده گشت و نه مؤمنان دهاتی و نه افراد شهری هیچکدام از زندگی خود راضی نبودند در دهات عدم رضایت مشاهده میشد چه که اگر فیسلا در هاتین بسبب فقر و بدبختی از زمینهای اربابی خود فرار میکردند اقلاً میتوانستند نزد اربابهای دیگر کار کنند ولی در این دوره بسبب آنکه تقریباً زمینهای اربابها آباد شده بود در هاتین اگر فرار میکردند و از زمینهای خود میگریختند کسی را پیدا نمیکردند که بآنها زمین واگذار کند اربابان نیز که بسبب پیداشدن تجارت احتیاج مفرطی بیول داشتند مجبور بودند که بیشتر از دهقانان کار بکنند تا پول بیشتری دست آید ولی آنها نیز از آزادی خود استفاده نمیکردند و رضایت اربابها را فراموش نمینمودند بدین سبب اربابان نیز از وضع خود ناراضی بودند در شهر نیز تاجران و صاحبان کارخانها دارای اهمیت زیادی بوده و مقامات مهمی در دست داشتند این حالت تا مدتی قبل از این دوره با مصالح عمومی توأم بود و شهرها بیبهترین وجهی اداره میشد بازارها بوجود آمد و مدارس افتتاح شد اما بدیهی است در جائیکه در اقتصاد بات در دست کسانی باشد که از منافع آن زندگی میکنند کوشش آنها در این خود اهد بود که حتی المقدور از سهم کارگران بکاهند و بر قسمت خود افزایند از اینجهت کم کارگران به مخالفت با صاحبان کارگاهها برخاستند و در نیمه قرن ۱۴

\*+++++\*  
+ سخکابت از حضرت عبد البها +  
+ \* ۳ \* +  
\*+++++\*

اطفال عزیز . یکی از خانمهای امریکائی که حیض حضرت عبد البها مشرف بود در روز تولد خود عرض میکند که از نه سال قبل که بد بابت بهائیس ایمان آوردم حس میکنم که هر روز جوانتر و شادابتر میشوم . حضرت عبد البها در جواب میفرمایند بلی همینطور است حقیقتا شما اکنون بیشتر از نه سال ندارید و بعد این حکایت را بیان میفرمایند یاد شامی روزی در باغ خود بگردش و تفریح مشغول بود پیرمردی را مشاهده نمود که مشغول کاشتن درخت است شاه پرسید پیرمرد چرا میکنی ؟ عرض کرد . قسریان درخت مینشانم . شاه گفت چند سال نداری ؟

گفت نمود . ۱۰ سال . شاه پرسید چند سال دیگر ایمن درختها میوه میآورند ؟ عرض کرد بیست سال دیگر . شاه گفت . آیا اطعنان داری که بیست سال در اینجهان زنده باشی تا از میوه آنها بهره مند شوی ؟ . چرا بیجهت بخود زحمت میدهی ؟ پیرلیخنه یزدگفت : در بگران کشتند ما خوردیم ما میکاریم که آیندگان بخورند . شاه خوشحال شد بگفته پول زرد در رکف پیرگد ارد پیرمرد فوراً بز انود آمد و بشکرونا مشغول شد . شاه پرسید . چرا بز انود آمدی این چه موفخ شکرگذاری است ؟ عرض کرد . یاد شاهان مننها از کشتن آنها سرور شعیس بمن دست داد بلکه میوه خود را نیز هم امز بهار آورد این حرف چنان شاه را مسرور کرد که بی اختیار یک قطعه در بگرد دست او گد ارد یارد بگری بز انود آمد و بشکرانه مشغول شد در حالیکه میگفت : اعلیحضرتا چگونه شکر نمایم ؟ تمام درختان یکبار میوه

میآورند ولی این درخت دوبار میوه آورد . شاه خندید یارد بگریسید . چند سال نداری ؟ پیرگفت من بیست ساله ام . شاه گفت . چطور چنین چیزی ممکن است تو قطعاً خیلی سال نداری ! پیرمرد با بیانی شیرین چنین گفت . بیست سال پیش شامی که قبل از شما سلطنت میکرد چنان پیرمردم ظالم بود و ان رو امید داشت مردم را آزار میداد کمین آن سالهای تلخ را جز زندگی شیرین امروزه خود حساب نمیکم و ابتدای عمر من از سالی است که اعلیحضرت تخت سلطنت عدل و انصاف جلوس فرموده اید .

این کلام در شاه چنان تاثیر نمود که قطعه پولی در دست او گد ارد و گفت باید هرچه زود تر از این محل فرار کنم زیرا کلام این مرد مانند ازه شیرین و جذآب است که اگر مدتی در بگر اینجا بمانم و بگفتار او گوش دهم مبتوسم فقیر و بی چیز بقصر باز گردیم . انتهمسی .

اطفال عزیز . برای شرکت در مسابقه چراید رس اخلاقی مبروید ؟ ( طرح آقای پرویز آگاه ) تا روز ۲۸ مرداد ما ۳۲۵ فرصت داریم یک جعبه رنگ نقاشی برسیم جائزه بنویسند بهترین جواب علا و بهر چاپ عکس و در مقاله او داده خواهد شد .

امریکان محترم در رس اخلاقی

صفحه کودگان برای تربیت نورسیندگان بهائیس که هدف آن خادمان صادق است وسیله مؤثر و مفید است . هیئت تحریریه از شما منتظر است که با ارسال نظریات اخلاقی و قصص مفید و مخصوصاً شوق کودگان بقرائت این صفحه و شرکت در تهیه مطالب و جواب مسابقات برونیق و کمال آن بیفزائید .

## تاریخ بنسأ اولین مشرق الاذکار در عشق آباد

نقل از روزنامه خورشید خاور . مدبر روزنامه آقای سید مهدی گلپایگانی . ارسال دارند محمد حسین عیاشیان  
 چون این بنسأ عالی اساساً اعظم و اهم مؤسسه بهائی پیشین  
 بیرون بیان تاریخ مختصری از اجرای بارو اغیار خالی از  
 وفائده نیست زیرا اولین بنیانی است که در عالم بهائیت  
 بامر و اراد هود ستور العجل مرکز عهد حضرت عبد البهاء و  
 میاشرت حاجی میرزا محمد تقی وکیل الحق و انفاق جان و  
 مال نفوس مقدسه گنیزه از اهل بهاء تأسیس یافته بود ارا  
 یکچنین مزیت و شرافت تاریخی است که در قرون متمادی  
 هر قدر مشارق الاذکار پراگردد هر چند از جهت علو و رفعت  
 و عظمت و ابهت و زینت بد درجات فوق مقایسه اعلی و اعظم  
 و ارفع باشد بشرافت آن نتوان رسید .  
 پس از آنکه در سنه ۱۲۹۸ هجری مطابق سنه ۱۸۸۱  
 میلادی خاک اخال که بترکستان مصر و است تصرف  
 در ولت روسیه درآمد از حضرت بهاء الله بافتنان انصاره  
 شد که در عشق آباد املاک تحصیل کنند در سنه ۱۳۰۰  
 از یزد در نفر و مآثر جناب استاد علی اکبر شهید و صهبر  
 ایشان استاد محمد رضا از طرف افغان (افغان در ریانا  
 حضرت بهاء الله بر منتسبین حضرت باب اطلاق میگردد)  
 محض تحصیل املاک و تعمیر آن به عشق آباد متوجه و در  
 اوائل سال ۱۳۰۱ وارد گشته در این وقت غیر از این دو  
 نفر آقای محمد رضای معزوف پلر باب نجل مرحوم حاجی محمد  
 کاظم اصفهانی که اندکی قبل از حضرات به عشق آباد  
 وارد شده بود کسی دیگر از اهل بهاء آنجا وجود نداشت  
 و نفوذ بهائیت در عشق آباد و ترکستان از این تاریخ شروع  
 میگردد . بر ملاحظه این از تاریخ بهائیت معلوم است  
 که در سنه ۱۳۰۰ بحکم پادشاه ظالم مستبد ناصرالدین شاه

میلانی

فاجار جمعی کثیر از بهائیان را در طهران گرفتار نمود  
 بیست و دو ماه در انبار و لقی محبوس سلختند و در  
 تمام بلاد ایران حکام طماع برای مداخله بتعقیب اهل  
 بهاء پرداختند از اینجاستوان استنباط کرد که حضرت  
 بهاء الله جهت احیای خویش مأمور و پناهگاهی تهیه  
 میفرمود و در تحقیقت چیزی که دولت ایران را از تعقیب  
 بهائیان منصرف گردانید همین مسئله بود و پس  
 بر حسب اراده حضرت بهاء الله افغان هر کدام قطعه  
 زمینی تحصیل و تعمیر نمودند از جمله حاجی میرزا محمد  
 علی افغان اخوی حاجی میرزا محمد تقی وکیل الحق  
 در همین سنه از چین بساحت اندر و ارض مقدسه عکا  
 مشرف از حضرت بهاء الله تحصیل زمینی در عشق آباد  
 جهت مسکن و خانه احباب مأمور گردید و در مراجعت از  
 عکا به عشق آباد قطعه زمینی برای این مقصد در مرکز  
 شهر از شخصی اعظم نام ایتیاع نمود و در میان مردم با  
 زمین اعظم اشتها ریافت و هر چند این اسم بر حسب  
 بزرگانها جریان یافت ولی آنرا با بستی یکی از تعداد  
 تعجب انگیز نام تصور نمود . چنانچه نظیر آن نیز  
 در ادرنه محل نفی ثانوی حضرت بهاء الله اتفاق  
 افتاد که بعد از ورود در خانه شخصی امر الله نام توقف  
 و سکونت اختیار فرمود و در السن و اقوام منزل حضرتش  
 با اسم بیت امر الله مشهور گردید .

مرحوم حاجی میرزا محمد علی افغان علاوه بر این یک  
 قطعه زمین املاک اخری نیز تحصیل کرد و با ایران  
 مراجعت فرمود . تقریباً یکسال و نیم بعد از آن تو



د و نفر نمایندگان بد ستور العمل خود ایشان بنایی تقریباً  
 مشابه نصریهجه د رعگا که د رایام اخیره محل نزول هیکل  
 اقدس حضرت بهاء الله بود یقوم حوضخانه مشتمل بر  
 چهار اطاق د رد و طرف شرقی و غربی تحتانی و د روسط  
 حوض آب وسعت جنوبی و شمالی یاز و د ر طبقه فوقانی  
 از طرف شمالی یک سالون و د اطاق و د ر طرف جنوبی  
 نیز نظیر آن عمارتی ناتمام د ر انتهای زمین اعظم بنا نمودند  
 از این مقدمه بخوبی معلوم توان داشت که مقصود جماعه  
 اقدس را بهی و همچنین حضرت افغان حاجی میرزا محمد  
 علی از این بنیان تاسیس مشرق الاذ کار بود مولینکن چون  
 آن اوقات اهل بهاء د ر عشق آباد یابن اسم د ر نزد حکومت  
 معروف نشد که یاند ازه حق بنا جمع و معبدی بجد آگاه  
 یا نهاد انده شود جمعیت نداشتند و ثانیا سبب هیچان  
 و حمله ملت و د ولت ایران بر علیه بهائیان واقع میشد و  
 حکمت بالغه آن حکیم حنفی چنین اقتضا نمود که با رسم  
 تهیه محلی جهت ورود مسافرین بهائی وهم تا بیکد رجعه  
 عالی یامید بکه شاید وقتی یکی از اقصان حضرت بهاء الله  
 یابن سمت توجه نمایند اما د ر نفس واقع تاسیس مشرق الاذ  
 را بطور غیر رسمی از این تاریخ یابد دانست.

تصحیح و ممانعت مینمودند و سودی نمیبخشید بطوریکه  
 نکشید که نتیجه آن بظهور رسید و د ر سنه ۱۳۰۷ ۱۳ ۱۲  
 محرم د ر وسط بازارید ست د و نفر از ایرانیان بتحریر  
 رؤسا و بزرگان نشان مفتول و یا آنچه آمال و آرزوی قلبی او بود  
 نائل شد و اینواضعه حکومت محل را بتفتیش علت عدالت  
 و نفرت مسلمین با بهائیان مجبور ساخت و بس از کشف  
 مظلومیت و سلامت نفسی اهل بهاء و شرارت اعدا  
 تاتلین و محرکین د ر عدلیه نظامی بنصاص و مجازات  
 شد بد و محکوم و بهائیان با اجازه انامت د ر مالک رو  
 و مشمول حمایت حکومت و حریت د ر اجراء مراسم د بنیه  
 خود شان مشمول و مخصوص گردیدند و از این تاریخ  
 ببعد این بنیان با اجتماع مقرر بهائیان د ر مواضع  
 معین و اجراء وظائف د بنیه اختصاص و بطور غیر رسمی  
 د ر زبان مردم بمعبد اهل بهاء اشتها ریافت جمعیت  
 شان نیز متد رجاء و عشق آباد رو متزاید گذاشت تا آنکه  
 د ر سنه ۱۳۰۹ حضرت بهاء الله بافق اعلی صعوبت  
 طولی نکشید که امر مبارک مرکز مینانی صد و ریافت که  
 احباب زمینهای اطراف زمین اعظم را جهت بنا مشرق الاذ  
 و سایر مؤسسات امریه که د ر اطراف آن یابد ساخته شود  
 خریداری نمایند.

د ر این ضمن معدود از بهائیان ایران کف د شان به  
 بیست نمیرسید د ر عشق آباد مجتمع و بطور حکمت د ر میان  
 مسلمانان اهل ایران زندگانی میکردند تا اینکه حاجی  
 محمد رضای شهید اصفهانی از ایران بساخت اقدس شهر  
 حاصل و از حضور مبارک حضرت بهاء الله تمنای نوزیشها  
 کبری نمود و بقبول فائز و توجه بعشق آباد مأمور گردید و  
 لدی الورود علنا یا ظهار مافی الضمیر برداخت سایر  
 بهائیان این حرکت را ترک حکمت حمل نمود و پیوسته

از ده قطعه زمینی که چهار طرف آن بکوچمستتس میشد  
 فقط پنج قطعه تعلق بهائیان داشت ما بقدر  
 د بگران بود و احباب بمرور با هم خریدند و د ر موقع  
 مشرق الاذ کار تمام آن اراضی بعضی د ر عوض وجهی  
 اخذ و برخی بلا عوض تقدیم کردند.

د ر سنه ۱۳۱۴ اهل بهاء د ر عشق آباد بتاسیس یکمتر  
 ابتدائی بسرانه با اجازه حکومت و آنرا د ر زمینی که ار

سمت شرقی یزمین اعظم اتصال داشت و ملک افغان بود  
 بناموند پیراهمیتشان در انظار افزود و رفته رفته نپسز  
 جمعیت بهایان متزاید میگشت و برای بنای مشرق الانکار  
 رسمی زمین حاضر میگردد بد علی الخصوص بر همه دستستان  
 مهل مفراط حضرت عبد البهاء بتاسیس را بنمونه مهم  
 امری معلوم بود حتی نفوس چند از اهل بهاء برای  
 بنای مشرق الانکار معصروف شخصی خود شان عرائض  
 شتی بساحت اقدس معروض داشته لکن چون اراده مبارک  
 حضرت عبد البهاء بر این تعلق داشت که این بنای مقدس  
 بسعی و همت افغان صورت تحقق و وجود پذیرد مستدعیان  
 ایشان مقبول نیفتاد و در سنه ۱۳۱۷ امر مبارک حضرت  
 عبد البهاء بحرکت حاجی میرزا محمد تقی افغان از بسز  
 بعشق آباد صد و ریافتوان پس از مدتی و مشاوره <sup>بسیار</sup> پتهیه  
 وسائل بنای مشرق الانکار از قبیل تحصیل اجازت تهیه  
 نقشه و جمع آوری وجوه شروع فرمودند مذمه هر کد ام از  
 احیای عشق آباد مبلغی برسم اعلانه تقدیم و از فروش املاک  
 مرحوم حاجی میرزا محمد علی افغان در عشق آباد که در  
 حال حیات جهت بنای مشرق الانکار تخصیص داده است  
 هزارنات تحویل و قبل از همه حضرت عبد البهاء <sup>نویسنده</sup>  
 لیره محض تشویق و تحریص سایرین و اثبات علاقه حقیقی  
 خویش بنای مشرق الانکار از بساحت اقدس مرحمت فرمود  
 بودند یوم ۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۰ بتخریب حوضخانه  
 قدیم و اطافهای اطراف آن که در جای آن مشرق الانکار  
 حالیه بنا گردیده شروع نمودند و در همان محل موافق  
 نقشه مخصوص که قبلا حضرت عبد البهاء توسط بعضی  
 از مسافریین بعشق آباد فرستاده و توسط مهند سر ولتی  
 نقشه رسمی کشیده شده بود بحفر اساس مشرق الانکار

مشغول گشتند و در مدت سه ماه این امور انجام یافت  
 و در ماه رمضان سنه ۱۳۲۰ مطابق ۲۸ نوامبر سنه  
 ۱۹۰۲ رسماً برای گذاشتن بنیان مشرق الانکار  
 تعیین شده بود موافق مرسوم رژیم قدیم و اهل آخال  
 که سوبوتیچ نام داشت یا حوش و اجزاء حضور بهم  
 رسانیده در حضور جمع اهل بهاء سنگ اول بنیان  
 را بدست خویش گذاشت و ابتدا ای تاریخ بنیان اولین  
 مشرق الانکار رسمی بهایش در عشق آباد از آنروز  
 محسوب میگردد و از آنروز اهل بهاء بنهایت جد  
 و شوق و شور بارتفاع این بنیان متین که منتهی آمال  
 و آرزوی ایشان بود پرداختند ولی این جدیت و  
 همت عرق عصبیت و عداوت اهل ایران و رقیبای خا<sup>جی</sup>ر  
 را بحرکت آورد و در اوائل سال ۱۳۲۱ بدوادر  
 اصفهان بر علیه بهائیان بلوا شروع و در ماه ۱۴ همین  
 سال بیزد که در منطقه جنبوی ایران واقعند سرایت  
 و در این ضوضاء و انقلاب متجاوز از یکصد نفس جان و مال  
 اهل بهاء فدای این اساس مقدس گردید ما از شر  
 این واقعه جانگداز صرف نظر و طالبین را بمطالعته کتب  
 تاریخیه این امر توصیه مینمائیم

این بلیات و صدمات پر ثبات عزم اندام اهل بهاء  
 نیاورد بلکه بالعکس موجب ازدیاد جدیت و افزون  
 قوت ایشان گردید تا مدت پنج سال این اساس عالی  
 را مرتفع و گنبد آنرا نیز فرا داشتند اشخاص محترم که هر یک  
 جهت بنای مشرق الانکار مبلغی گزاف تقدیم کرده  
 افتخار این اولین موسسه بهایش یادست خود سنگ  
 گل و آجر میکشیدند چنانچه از عکس کد ریکی از اینموانم  
 برداشته شده بود بحفر اساس مشرق الانکار

قسمت استاد لالیسی

آهنگ بدیع

بقلم آقای اشراق خاوری

از آن میان جوانی که آثار نجات از (۱۱) یا هرکیش و آئین از روی کتابشان ظهور

ناصبه اش شویدا و دلائل هوش و ذکاوت بر صفحه  
رخسارش آشکار و پیدا خود را از جمع حاضرین بیه  
کاری کشیده متد رجا بطرف غرفه پیر بزرگوار روان  
شده در رکعت پیر او را یا سیمای متمسک پذیرفت  
در غرفه را بستند و بصحبت نشستند جوان گفت چون  
عقاید و آراء در بار شما مختلف بود بخدمت شما  
شتافتم تا حقیقت را بیایم اطلاعات شما بمطالب  
مختلفه مانند ریاضی بی پایان استو من در میان علمای  
ملل و ادیان مختلفه مانند شما کیسرا یا بگونه آگاه  
یا سرار و رموز کتب اسمانی ندیده ام خواستم بدانم  
که پیرو چه دین و تابع کدام آئین هستید تا من نیز  
آن طریق پیش گیرم و پشاکردی چون شما استناد  
بزرگوار مفتخر و سراسر افراز کردم پیر فرمود ای جوان از حسن  
نظر شما نسبت بخود بی اندازه ممنونم و از اینکه قدم  
زوجه فرموده و بتحریر اصل موضوع شتافتید از شما  
تشکر میکنم مرا که شما استاد بزرگوار مینامید و بسعه  
اطلاعات مستائید جز بنده استان در استان خدا  
و خاک راه سالکین با وفا پیش نیستم فضل الهی مرا  
شامل شد و بکفطره از بحر ایقان نصیب گردید یا پس  
شرف مباحث میکنم که خود را از خاد مین مومنین بیه  
ظهور کلی الهی میدانم و از منتسبین استان مظهر  
علنی رحمانی میشمام نمیدانم تا بحال اسم بهائی  
شنیده اید و بانفسی از این طایفه رادیده اید؟  
تمام بهائیان که مشمول فضل و عنایت حضرت پرورد  
گاری دارای اطلاعات وسیعه هستند و استدلالات منبعه

موجود کل ملل و ادیان را اثبات مینمایند و همه در  
نیال دلائل متغنه و پراهن محکمه عقلیه و نقلیه بهائیه  
سرتسلیم و رضا یا لا اقل سکوت و خموشی فرود آرند وصف  
این قوم رفوان مجید نازل نوله تعالی و بوم تقوم الساعه  
بومئذ تحروا المیطلون و تری کل امة جائیه کل امة تدعی  
الی کتابها (سوره جائیه ایه ۲۷/۲۸) یعنی در روز  
موجود جمیع ملل و ادیان که در رفوان مجید از ان بساعت  
و قیامت تعبیر شد معروضین و منکرین گرفتار زیسان  
و خسران شوند و جمیع امم در قیال استدل مومنین یا آن  
ظهور اعظم زانوی عجز بر زمین زنند و هرامتی از روی کتاب  
اسمانی خود بظهور مظهر امر اوله دعوت شود بهائیان  
برای اثبات حقا نیت موجود کتاب موسی از روی تورات  
و برای مسیح از روی انجیل و برای صلحین از روی  
قرآن و برای دیگران از کتب دیگر استدل کنند منبع  
جمیع این اطلاعات و اسعود لائل قویه متبینه کتاب  
مستطاب ایقان است کتاب در ریاضی بی پایانی است  
که هر کس بقدر استعداد خود از این نصیب و بهره  
برده بقول مولوی

گر بریزی بحر را در رکوزه چند گنجد قسمت بگروزه  
قسمتی از تاریخ امر مبارک: جوان که با خیرت و بهت  
بسختان پیر بزرگوار گوش میداد پرسید که مدعی  
بهائیان چیست و کتاب ایقان از کیست و شامل چه  
قسم مطالبی است پیر فرمود بدان ای جوان که جمیع  
ادیان عالم منتظرند و ظهورند که در ره ریک از کتاب شما  
از این در ظهور یا نام مخصوصی تعبیر شد بهائیان

معتقدند که این دو ظهور اعظم یاد لائل ساطعه و  
 براهین کامله در عالم ظاهر و آشکار شده ظهور اول  
 یا اسم حضرت رب اعلی نقطه اولی که میسر ظهور ثانی  
 است و ظهور ثانی یا اسم جمال اقدس ایمن حضرت  
 بهاء الله که موعود کل ملل و ادیان است حضرت اعلی  
 که بسید باب معروفند اسم مبارکشان سید علی محمد  
 است بدیشان امیر سید محمد رضا بن میرزا ابوالفتح  
 بن میرزا ابراهیم بن میرزا نصر الله و مادرشان فاطمه  
 بیگم بنت میرزا محمد حسن بن میرزا عابد است. تولد  
 حضرت اعلی در سال ۱۲۳۵ هجری در شیراز اتفاق  
 افتاد و در سال ۱۲۵۸ هجری تا اهل اختیار فرمود خواجه  
 سلطان بیگم بنت میرزا عابد باین شرافت کبری مفتخر  
 گشت حضرت اعلی در پنجم جمادی الاولی سال  
 ۱۲۶۰ در شیراز اعلان امر خویش نمود و عده از مومنین  
 که هیچکس نفرمودند اول و هلهستند رجا به حضرتش مومن  
 و بحروف حی ملقب شدند اسامی حروف حی بقرار ذیل  
 است :

ملا حسین یثروثی - محمد حسن برادرش - محمد باقر  
 همشیره زاده اش - ملا علی یسطلامی - ملا خدا بخش  
 قوچانی ملقب بملا علی - ملا حسن یجستانی - سید  
 حسین یزدی - میرزا محمد خان روضه خان یزدی -  
 سعید هندی - ملا محمود خوشی - ملا جلیل ارومی  
 ملا احمد ایدال مراغه - ملا باقر تبریزی - ملا یوسف  
 اردبیلی - میرزا هادی تروینی پسر ملا عبد الوهاب  
 میرزا محمد علی تروینی (مطابق قول سفند رخواهر -  
 جناب طاهره مسماة پرنسبه خانم زوجه همین میرزا  
 محمد علی است که از حروف حی است میرزا محمد علی

از شهدای قلعه شیخ طبرسی است و مرضیه خانم  
 مومن به حضرت باب بوده (جناب طاهره - قدوس  
 همه این حروف حی بجز طاهره بحضور حضرت باب  
 مشرف شدند)

پس از تکمیل حروف حی حضرت اعلی هر یک را بظرفی  
 برای تبلیغ مامور فرمودند و خود با یکی از حروف حی که  
 موسوم بملا محمد علی اصل یا رفروش مازندران و ملقب  
 بقندوس بود در ماه شوال ۱۲۶۰ از راه بوشهر عازم  
 زیارت مکه شدند که در آن بلد مطیبه در رملا ۹ عام امر  
 خود را اعلان فرمایند قدوس عمرش بیست و دو سال و  
 از عمر مبارک حضرت اعلی تقریباً بیست و پنج سال  
 میگذشت در این سفر غلام حبشی حضرت  
 همراه بود در مکه حضرت اعلی امر خود را بشریف مکه  
 که سلیمان نام داشت اظهار آیاتی نازل فرمودند  
 که بوسیله قدوس بشریف رسید پس از اتمام مراسم حی  
 بعدینه رفته و بعد لڑ آن از طریق دریا بوشهر <sup>حجت</sup> مرآ  
 فرمودند چون بوشهر رسیدند فیلا قدوس را با کتاب  
 خصائل سبعه بشیراز فرستادند قدوس در شیراز  
 منزل دانی حضرت اعلی که مسوم بمحاجی میرزا  
 سید علی بود ورود فرمود و اول کسیکه در شیراز بعد از  
 حروف حی یا مبارک مومن شد همین حاجی میرزا  
 سید علی است که بخال اعظم معروفست ملا صادق  
 مقدس خراسانی هم پس از ملاقات قدوس زیارت  
 کتاب خصائل سبعه در مسجد نمود رحین ادای صلوات  
 که خلق بسیار با او آنتد امیکردند حسب الامر مبارک حضرت  
 اعلی اسم حضرت را در آن ضمیمه کرد که غوفائسی  
 عظیم برخاست و مطلب بگوش حسینخان آجودان <sup>ش</sup> یا



برای شرکت در مسابقات تاریخ و جغرافیا  
 مبحث تاریخ "ترجمه حیات نفوس مقدسه"  
 مفصلاً اساسی ذیل رانیز علاوه بر شرح حیات  
 جناب نبیل زرنندی مسابقه میگذارد :

- ۱- جناب سید اسدالله قمی .
- ۲- شهید مجید حضرت میرزا یعقوب متحد
- ۳- مبلغ شهیر متقاعد جناب عبد الله مطلق

XX  
 X مسا بقمه = = = = مسا بقمه = = = = X  
 X هیئت تحریریه مسقاله جامع راد رمباحث ذیل به X  
 X مسا بقمه میگذارد : X  
 X ۱- " مبحث تاریخ " شرح حال کامل : X  
 X جناب نبیل زرنندی - جناب سید اسد الله قمی X  
 X جناب میرزا یعقوب متحد - جناب مطلق X  
 X ۲- " مبحث اجتماعی " هدف شهادت رازدواج چیست X  
 X ۳- بهترین داستان اخلاقی . X  
 X برای خرید از این سه مقاله جایزه شرح ذیل بهترین X  
 X و صحیحترین جوابها بحکم نرعه داده خواهد شد X  
 X جایزه " مبحث تاریخ " يك قاب خاتم X  
 X جایزه " مبحث اجتماعی " يك قلم خود نویس X  
 X جایزه " بهترین داستان " يك اليوم عکس ضمیمه X  
 X عکسهای حظیره القدس ملی بهائیان ایران X  
 X مدت قبول جوابها تاریخ ۲۸ / ۵ / ۳۲۵ امیبا X  
 XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

حاکم فارس رسید فی الفور قدس و مقدس و ملا علی  
 اکبر اردستانی را که موذن مقدس بود گرفته در محضر  
 علماء شهر هرات از زبانه بمقدس خراسانی زد و بعد  
 بهش در سه نفر ( یعنی قدس و مقدس و ملا علی اکبر  
 اردستانی ) را سوزانید ه از شهر اخراج نمودند چند  
 مأمور فرستاد که حضرت اعلی را از میان راه بوشهر و  
 شیراز وارد شهر نمایند همکل مبارک پس از ورود به  
 شیراز مورد اذیت و آزار حاکم و سایر نفوس بودند و از  
 معاشرت ممنوع شدند و پس از تشرف اشخاص بسیار  
 و نفوس مهمه به شمار از قبیل حاجی سید یحیی دارایی  
 پسر سید جعفر کشفی که با مر محمد شاه برای تحقیق مظالم  
 وادعای حضرت یاب آمده بود و پس از تحقیق بشرف  
 ایمان فائز شد و غیر از او مشاهیر علماء و رجال دیگر که ذکر  
 شد موجب اطمینانست یا لاخره حسینخان عبد الحمید  
 داروغه را امر کرد که حضرت اعلی را دستگیر نماید قضا  
 را که این امر اجرا نشد در همان شب ویائی شد و بد  
 بشیراز مستولی گردید . حسینخان فرار کرد و حضرت  
 اعلی یاسید کاظم زنجانی پسر ازوداع از خال اعظم و  
 حرم محترمشان و والد ه شان بطرف اصفهان شتافتند  
 منوچهرخان معتمد الدوله بخدمت پرداخت و چون در  
 سال ۱۲۶۳ منوچهرخان که حاکم اصفهان بود وفات  
 یافت بد سیه گرگین خان که بجای منوچهرخان  
 معتمد الدوله حاکم اصفهان شد حضرت اعلی را با مر  
 حاجی میرزا آقا سی صدراعظم محمد شاه بطهران برد  
 و چون یقریه کلین رسیدند امرتانی رسید که حضرت  
 راد رماکوی آن رزایجان حبس کنند . خلاصه حضرت اعلی  
 نماند و ما کومحبوس بودند و شرح آن بسیار مفصل است